

## چه عیدی؟



### مهدی بغمایی\*

من متولد ۱۳۵۵ هستم. عید ما متولدین دهه پنجاه با امروز تفاوت داشت. آن موقع تکنولوژی هنوز این همه پیشرفت نکرده بود. در واقع بهار و عید ما اتالوگپ بود نه دیجیتال. عیدی گرفتنها، دید و بازدیدها جزو سنت هر ساله ما بود. به خانه بزرگتر رفتن یک اصل واجب و حتمی بود. نمی گویم الان این ها دیگر وجود ندارند، ولی باید قبول کنیم همه این سنت ها هر کم رنگ شده اند. متأسفانه ارتباط های امروزی به واسطه موبایل ها و اپلیکیشن ها به شدت مجازی شده است. هر عید من بر از خاطره و اتفاق های دلپذیر بود. عیدی جمع کردنها هم داستان جداگانه ای داشت. پنجاه تومانی و صد تومانی ها را دانه به دانه روی هم می گذاشتیم . کل آنها سر جمع به هزار تومان هم نمی رسید، گاهی هم که این رقم به دو هزار می رسید، در پوست خود نمی گنجیدیم. من از کلاس دوم، سوم، راهنمایی کار موسیقی را آغاز کردم. در ابتدا قرآنت قرآن کار می کردم و تک خاون گروه سرود مدرسه مان بودم. یادم می آید تمام امکانات آن زمان ما یک

ارگ کوچک قدیمی بود که اگر الان کسی صدایش را بشنود، خنده اش می گیرد. آن زمان امکانات مثل الان نبود. کلاس های موسیقی وجود نداشتند و سختی های زیادی داشتیم. من یک ضبط دو کاست لاسونیک داشتم با یک میکرفن. به سختی موسیقی هایی که وکالتشان از آنها حذف شده بود را پیدا می کردم. کاست را در یک طرف می گذاشتم و با میکروفن می خواندم و روی کاست دوم ضبط می کرد. تمام بهارها و سالهای زندگی با موسیقی گذشته است. از سال ۷۷ کار حرفه ای من شروع شد و از سال ۷۸ تا ۹۸ بی وقفه با موسیقی زندگی می کنم. سالهای زیادی گذشته است و موسیقی ما هم دستخوش تغییرهای فراوانی شده است. از اوضاع و احوال موسیقی امروز پاپ رادی نیستم. به نظرم بی معیاری عجیبی در این عرصه به وجود آمده است. معیارهای حرفه ای دیگر وجود ندارد و همه چیز بر اساس پسند عمومی که خارج از تخصص و حرفه ایگری است، تعیین می شود. در سالی که گذشت، بعد از پانزده سال برای اولین بار در تالار وحدت کنسرت دادم. متأسفانه به خاطر فعالیت در گروه ژوان هشت سال ممنوع الکار بودم. در حالی که بسیاری همزمان با ما کار می کردند و کارهایشان از کاتال های مختلف پخش می شد و به هیچ مشکلی هم بر نخوردند. متأسفانه گروه مان از هم پاشید. هشت نه ماه هم درگیر جواب پس دادن به خاطر انتشار کارم در سایتی خاص که همه کارهایشان را در آنجا فرم می دهند، بودم و بالاخره توانستم کنسرت مرا اجرا کنم. خدا را شاکرم که این کنسرت با استقبال بسیار بالایی روبرو شد. هفدهم بهمن سال ۹۵ روز عجیب و دلپذیری در زندگی حرفه ای من بود. افتخار می کنم که در کنار حمید حامی و یک خواننده دیگر جزو خوانندگان پاپی هستم که توانسته ام در این سالن بزرگ کنسرت بدهم. اما بزرگترین افتخار من همکاری با ناصر چشم آذر را کستر بزرگ ایستگاه در روزهای پایانی اسفند ۹۵ بود. از آقای «سول تری» و خانمشان «سمیه کوانی» در موسسه دایم دوران مصیبتانه شکر می کنم که این فرصت را در اختیار من قرار دادند. سالی که گذشت سال تلخ و اسفناوری بود. در این روزهای پادشاهی دکتر افشین بداللهی نازنین را از دست دادیم، قبل از آن علی معلم، حبیب محبیان، عباس کیارستمی، کاظم افرنديا، آتش نشان های عزیز و...سلا عجیب و غریب و تلخی بود. در عید ۹۳ در اهنگی که به مناسبت درگذشت مرضی پاشایی خواندم گفته بودم:بدون تو و دستای مهربون نگاه ماچه چ عیدی؟/احلا که قراره دوباره به چشمان نیفته نگاهت چه عیدی؟/چه سول تری سالی تو وقتی که حالی نارام برای به لبخنده سادہ چه شوقی چه ذوقی؟/متأسفانه این ترانه برای این عید هم مصداق پیدا می کند. به هر حال همه با امید زنده ایم و باید زندگی کرد. در زمینه فعالیتها موسیقایی خود هم در سال جدید برنامه های زیادی دارم و تغییرات بنیادینی در سبکم ایجاد کرده ام که امیدوارم به ثمر بنشینند. با وجود این همه مصائب زندگی ادامه دارد و امیدوارم در سال جدید کمتر خبر مرگ هنرمندان را بشنویم.

\* خواننده و آهنگساز

## ویژه نامه نوروز ۹۶

## نوروز از منظری دیگر

### معصومه ابراهیمی \*

تا به حال درباره نوروز مطالب بسیاری گفته شده اما موضوعی که شاید کمتر به آن پرداخته شده باشد، چرایی تلاوم و پایداری نوروز از نگاه انسان شناسی است، اینکه چرا این جشن بسیار کهن که تبدیل به یک اسطوره بزرگ شده تا به امروز پایدار است. به راستی رمز دوام و پایداری و صلابت نوروز در چه چیزهایی است؟

اگر کمی جزئی تر به هستی نوروز نگاه کنیم، متوجه پیامهایی در این جشن باستانی می شویم که رمز بقا و پایداری آن را گوشزد می کنند. اولین و اصلی ترین پیام نوروز، پیوند انسان با طبیعت است. نوروز به ما نشان می دهد که فقط انسان در دامن و بستر طبیعت حیات دارد و هر زمان که پیوند مستحکم تر و همراه با احترام با طبیعت داشته، توانسته دوره های سخت و دشوار زندگی را پشت سر بگذارد و به تمدن و شکوفایی برسد.

هم زیستی با طبیعت، گیاهپاوری و طبیعت‌باوری اصلی ترین پیام‌های نوروز هستند. محتوای این پیامها به ما یادآوری می کنند که از دیرباز، تمدن و شکوه فرهنگی ایرانیان در این اصل مهم خلاصه می شد که نسبت به طبیعت و محیط زیست خود احساس حمیت و پاسداری داشتند. از دوره های باستان ایرانی‌ها از طبیعت حمایت می کردند و برای سپاسگزاری از آن جشن ها برپا می کردند. به عبارت بهتر نوروز تجلی این حس سپاسگزاری از طبیعت است. در عصری که زندگی می‌کنیم، متأسفانه شاهد به خطر افتادن طبیعت هستیم، احساس می‌کنیم دیگر به آن نیازی نداریم، با توجه به شیوه زندگی که در پیش گرفتیم اهمیت طبیعت را در اطراف خود کم رنگ‌تر می‌بینیم. نوروز به ما یادآوری می کند که هستی، زندگی، بقا، آینده فرزندان این سرزمین و تمدن در گرو طبیعت است. اگر زمانی رشته‌های پیوند خودمان با طبیعت را قطع کنیم در واقع خودمان را از هستی ساقط کرده ایم. درست مانند این که دشمن و بیگانه‌ای به سرزمین ما هجوم بیاورند. درک این پیام محوری نوروز باید مدام یادآوری شود. تا ما فقط به ظاهر این جشن نپردازیم بلکه به معنای آن نیز بیندیشیم. در اینجا می‌خواهم از نوروز به عنوان یک فرهنگ نام ببرم. «فرهنگ نوروز» یا «ندیشه نوروز» یک اندیشه متعالی انسان پرور است که در آن نوع دوستی، مدارا و تحمل دیگری محوریت دارد. این اندیشه به ما می آموزد که فرآیند از هر قوم و ملتی، زبان و دینی می توان یا دیگری دوستانه رفتار کرد، زیرا نقاط اشتراک انسانها بسیار بیشتر از «شاخصهای مصنوعی» است که ما را از یکدیگر متمایز می کند. همین که ارزش و موقع طبیعت در حال حاضر به عنوان یک هدف مشترک درک کنیم و برای آن راه حل‌های منطقی و توسعه مدارانه بیابیم، بخشی از آینده نوروز را محقق کرده ایم.

نکته دیگر اینکه نوروز همچون یک قالب بسیار بزرگ و منعطف است که اگر به یاد آوریم، هر سرزمین و جامعه ای راه یابنده فرهنگ آنها را در درون خود می بیند. یعنی ضمن اینکه چارچوب اصلی را نگاه می‌دارد، اما به فرهنگ‌های قومی و منطقه ای هم اجازه می‌دهد ویژگی‌های فرهنگی خود را در نوروز باز جویند. هر قوم و ملتی از هر کشور و با هر باور و عقیده‌ای بخشی از اعتقادات بومی خود را در درون قالب نوروز وارد کرده و گذشته، آرمان و آینده فردی و جمعی خود را در نظام نوروز جستجو کرده است. این منطقه‌ای خوشبخت‌باری و مداری‌ای که در نوروز وجود دارد سبب شده که این جشن باستانی از منطقه ایران بگذرد و به مناطق دیگری هم برسد.

در و آن منطقه هم به عنوان یک جشن مهم و حتی گاهی یک جشن ملی در نظر گرفته شده. به همین دلیل ضمن اینکه نوروز اصل خودش را پایدار نگه می‌دارد، اجازه می‌دهد که ملت‌ها و اقوام دیگر هم اعتقادات خودشان را در نوروز ببینند. بنابراین می‌توانیم نوروز را به عنوان آینه‌ای در نظر بگیریم که اعتقادات مردم هر منطقه را بازنتاب می‌دهد. به همین سبب نوروز یک جشن منحصر به فرد جهانی است. یعنی هر چند خاستگاه آن ایران است اما دیگر موضوعی منطقه‌ای یا کشوری نیست، بلکه یک ایده و فرهنگ جهانی است. این ویژگی نوروز را باید بیش از پیش شناخت. انسان امروز بیشتر از هر زمان دیگری به مدارا، صبر، خوشبین‌داری و به تحمل دیگری احتیاج داد. یکی از بهترین پیام‌هایی که نوروز به ما می‌دهد همین مسئله است که ما دیگران را هم تحمل کنیم و به باورهایشان احترام بگذاریم. از این طریق قدرتمندتر می شویم و به شکوفایی، قدرت و بزرگی می‌رسیم. نوروز به ما این پیام را می‌دهد که اگر یک چیزی در جهان باقی می‌ماند به خاطر طبیعت مبتنی بر عشق و دوستی است. به این علت است که می‌گوییم نوروز نگاهی عام نسبت به پدیده‌های جهان دارد و طبیعت مملی ندارد.

نوروزی که امروز به عنوان میراث ملی به ما رسیده تلفیقی است از اسطوره‌های آریایی و اسطوره‌های اقوام ماقبل آریایی که در این منطقه می‌زیستند. اگر به نوروز با دقت بیشتری نگاه کنیم، می‌بینیم هر جایی که نوروز رفته از منطقه بین‌النهرین گرفته، تا کل منطقه آسیای میانه و حتی هند، آیین‌ها و آداب آن مناطق را با هم ترکیب کرده، در خودش هم کرده است. این ترکیب قدرتی بی‌همتا و شکوه خاصی به نوروز داده و عظمت این جشن انسانی را بیش از پیش کرده است. بنابراین در نوروز هم اسطوره‌های خودمان و هم اسطوره‌های اقوام دیگر را می‌بینیم. همین موضوع عامل پیوند اقوام می‌شود. بنابراین با دست آویختن به جشنی به نام نوروز که اقوام مختلف هر کدام خودشان را در آن می‌بینند، همه با هم احساس نزدیکی و همذات‌پنداری می‌کنند و این مسئله باعث قدرت و صلابت و پیوند و یگانگی و احساس نوع‌دوستی و انسان‌دوستی می‌شود. کمتر جشنی را در جهان می‌شناسم که تا این اندازه پیام‌های انسانی داشته باشد.

نوروز در واقع هویت تاریخی و ملی مردم ما هم هست، در حال حاضر بیش از هر زمان دیگر احتیاج داریم حافظه ملی مان را بازبینی کنیم، آن را بشناسیم اما این شناخت باید به دور از هر نوع افراط و تفریط، هر نوع تعصب و قوم‌مداری و هر نوع پیش‌بینش‌گرایی باشد. ما باید حافظه ملی و هویت تاریخی خودمان را آن طور که هست بشناسیم، نه آن طور که دوست داریم شناخته بشویم. نوروز به ما نشان داده که ما اقوام بسیار کوشا و خردمندی بودیم، به همین جهت یک سازه جهانی بسیار مهمی مثل تخت جمشید را فقط برای آیین نوروز بنا کنیم. گذشتگان ما نسبت به این جشن احساس خوداگاهی داشتند و می‌دانستند که ساختاری را بنا می‌کنند که صورت مادی اندیشه نوروز خواهد بود. در واقع تخت جمشید برای یک امر معنوی مانند نوروز صورت مادی ایجاد کرده است. بنابراین می‌بینیم نیاکان مان اقتدر خرمند بودند که نه تنها نسبت به باورهای خودشان آگاه بودند، بلکه به توسعه و معنا بخشی آن به صورت‌های مختلف می‌کوشیدند. اینها، انرژی سرمایه‌ای چون نوروز را به خوبی فهمیده بودند. امروز در عصر گذراندن انسان‌های بسیار گدراپی شدایم. نسبت به مسائل دید عمیق و نگاه ژرفی نداریم. به ویژه با ورود تکنولوژی‌های جدید بدون



اینکه بخواهیم عمیقاً مسئله‌ای را بازشناسیم از آن به راحتی می‌گذریم. نوروز این پیام مهم را دارد که قدری تأمل کنیم، بایستیم، بیاهو را کنار بگیریم، مقداری نسبت به تاریخ و هویت و فرهنگ خودمان فارغ از هر نوع تعصب و افراط و تفریطی نگاه کنیم. این تأمل نسبی می‌شود که انسان‌های مهربان‌تری شویم، کسانی شویم که ضمن افتخار به گذشته، به آینده هم بیندیشیم. اگر به راستی خودمان را از بازمانده‌های آن اقوامی می‌دانیم که جشنی مثل نوروز را پدید آوردند و آن سازه‌های باشکوه را ساخته‌اند، سعی کنیم اخلاق شایسته‌ای باشیم. اگر با وجود نوروز احساس می‌کنیم فرزندان همان نیاکان هستیم پس سعی و مسأله‌یافتی هم بر دوش ما گذاشته می‌شود. یکی از آن وظایف این است که قدری تأمل کنیم. قدری از شبان زندگی که ما را به هر سو می‌برد، بگامیم تا فرصتی دست بدهد که نسبت به کردار، رفتار، خواسته‌ها و اهدافمان فکر کنیم. نوروز را آن طور که باید درک کنیم و فقط در حواشی آن مثل خرید کردن و آشوب آن غرق نشویم. متأسفانه ما بدون هر تفکری فقط سعی می‌کنیم قسمت مادی نوروز یعنی آب و رسوم را نگاه داریم و بخش معنوی نوروز را که پیامها در آن مستتر است فراموش کرده‌ایم. یکی از نشانه‌های فراموشی فلسفه نوروز این است که حاضریم هر چیزی را برای عید، با هر مشقتی، بخریم، اما کتابی که درباره نوروز است کمتر خریداری می‌شود یا کمتر خوانده می‌شود. البته نقش رسانه‌ها، روزنامه‌ها و صدا و سیما و رسانه‌های دیجیتال بسیار مهم است. این آشوبی که به پیش از نوروز می‌بینیم، یادآور آشوب ازلی‌ای است که در اسطوره نوروز وجود دارد. گفته شده که این آشوب نشانی می‌دهد که انسان دوباره به بازایی آفرینش فکر می‌کند. نوروز به نوعی بازایی و نوایی آفرینش را تداعی می‌کند و ما امروز در خیابان‌ها آن آشوب را می‌بینیم. این زمان سول، ناگهان آرامشی برقرار می‌شود. گویی آن آشوب ازلی را کنار زدیم، و به سامانی رسیدیم که بتوانیم یک سال جدید را آغاز کنیم. بسیاری از پیچیدگی‌های زوای و جمعی مردم ما نوروز کردن و تفسیر پیام‌های اینچنینی برگشوده می‌شوند و انسان‌ها با توجه به چنین پیام‌هایی به آرامش می‌رسند. بنابراین بهترین وقت توجه به حافظه تاریخی و خودشناسی همین حالا است. این مهم را حضرت حافظ نیز یادآوری کرده است:

ز کوی یار می آید نسیم باک نوروزی

از این باد از مدد خواهی چراغ دل فرورزی  
\*انسان شناس و نویسنده



### اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان

### اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شهرستان کرمان

### آگهی من حله سی و هفتم ( منطقه دو کرمان )

### هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

### (( آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۳۱ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی ))

شپیدان ماهانی بعد از کوچه ۲۳ کوچه مهدی زاده ارح کوچه سمت چپ آخرین منزل خریداری از محل مالکیت سید عبس ابراهیمی فرستگی - ردیف ۲۵۶ \*  
۱۴۹۹۸ فرعی از ۲۹۶۸ اصلی مجزی شده از ۷۲۳ فرعی از ۲۹۶۸ اصلی - آقای عیسی کاظمی پور فرزند قاسم به شناسنامه شماره ۳۱۱ صادره از گلباف در ششدانگ یکپاک خانه به مساحت ۱۵۰/۲۰ متر مربع به ادرس کرمان سراسیاب فرستگی خیابان شهیدان اشرف گنججوتی کوچه ۲۲ خریداری از محل مالکیت فاطمه مقیمی نژاد- ردیف ۰۰۳ \*

۱۵۰۰۲ فرعی از ۲۹۶۸ اصلی مجزی شده از ۸۹۹ فرعی از ۲۹۶۸ اصلی - آقای جواد ولند یاری نژاد فرزند علی به شناسنامه شماره ۳۳۸ صادره از کرمان در ششدانگ یکپاک خانه به مساحت ۱۰۹/۳۰ متر مربع به ادرس کرمان بزرگراه امام (ره) بلوار شهرک صنعتی روبروی کوچه ۱۴ جنب آرایشگاه قصر جوان خریداری از محل مالکیت فاطمه پور حیدری - ردیف ۲۳۹۹

۱۵۰۴۹ فرعی از ۲۹۶۸ اصلی مجزی شده از ۸۹۹ فرعی از ۲۹۶۸ اصلی - آقای محسن ولند یاری نژاد فرزند علی به شناسنامه شماره ۱۸۹۴ صادره از کرمان در ششدانگ یکپاک خانه به مساحت ۱۲۴/۸۰ متر مربع به ادرس کرمان بزرگراه امام (ره) بلوار شهرک صنعتی روبروی کوچه ۱۴ خریداری از محل مالکیت فاطمه پور حیدری - ردیف ۱۴۳۸

۷۶۶ فرعی از ۳۹۸۹ اصلی مجزی شده از ۱۱ فرعی از ۳۹۸۹ اصلی - آقای بهزاد زند پور فرزند مصطفی به شناسنامه شماره ۲۱ صادره از کرمان در ششدانگ یکپاک مغازه شماره ۱۵/۱۵۰ متر مربع به ادرس کرمان میدان خواجه جوب شیرینی سرائی حمید ابتدای خیابان سرباز خریداری از محل مالکیت غلامرضا مروجعی - ردیف ۶۱۳ \*

۴۳ فرعی از ۴۰۲۲ اصلی مجزی شده از ۴ فرعی از ۴۰۲۲ اصلی - آقای محمد فلاحی فرزند حسن به شناسنامه شماره ۱ صادره از شهداد در ششدانگ یکپاک خانه به مساحت ۲۱۲/۱۶۰ متر مربع به ادرس کرمان خیابان سرباز کوچه غار صفا جنوبی ۴ خریداری از محل مالکیت علی عباسی - ردیف ۰۰۴ \*

۲۰۲ فرعی از ۴۱۴۵ اصلی - آقای مجید کاظم زاده فرزند حسین به شناسنامه شماره ۹۷ صادره از کرمان نسبت به چهار دانگ مشاع و خاتم عصمت گلوسلان ماهانی فرزند حسین به شناسنامه شماره ۲۴۸ صادره از ماهان نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یکپاک خانه به مساحت ۱۴۹/۵۰ متر مربع به ادرس کرمان خیابان سرباز کوچه ۲۷ شرقی سوم خریداری از محل مالکیت حبیب اله نمره فیلسوف - ردیف ۲۰۰۸ \*

### املاک تقاضای ثبت شده واقع در بخش ۳ کرمان

۱۹۶۴۵ فرعی از ۱۷۸۳ اصلی - آقای محمد جواد قاسمی فرزند حسن به شناسنامه شماره ۴۱۱ صادره از کرمان در ششدانگ یکپاک خانه به مساحت ۱۸۸/۱۲ متر مربع که موازی ۶۸ متر مربع از ششدانگ عرصه مورد تقاضا متعلق بوقف و در اجاره نمبرده قرار دارد به ادرس کرمان خیابان جهاد کوچه ۷۵ شمالی ۲ درب ششم خریداری از محل مالکیت هوشنگ رحبورداری - ردیف ۳۰۸ \*

۳۵۹۷ فرعی از ۲۷۸۷ اصلی - خاتم فاطمه محمدی قناتگستالی فرزند محمد به شناسنامه شماره ۸ صادره از ماهان در ششدانگ یکپاک ساختمان به مساحت ششدانگ ۱۳۶/۶۰ متر مربع به ادرس کرمان خیابان گوهری کوچه حسام خریداری از محل مالکیت احمد جوادی و نیره خاتم سام زاده و قنبر گنجی صفا - ردیف ۴۱۹ \*

۲۲۵۳۳ فرعی از ۲۷۸۷ اصلی - آقای رضا سعید فرزند صفر به شناسنامه شماره ۱۹۵۸ صادره از بردسیر در ششدانگ یکپاک ساختمان به مساحت ششدانگ ۱۳۹/۵۰ متر مربع به ادرس کرمان خیابان شیخ احمد کافی کوچه ۲۴ خریداری از محل مالکیت محمود پورزاده حسینی - ردیف ۱۷۰۹ \*

خولاهان ها فرهاد شاه محمدی درمنی - فرشید شاه محمدی درمنی - ملک آرا قرابعلحاتی درمنی - فرخنده شاه محمدی درمنی - فرح شاه محمدی درمنی - فرش شاه محمدی درمنی - نصرت شاه محمدی درمنی خواند کاند جمال الدین امتیاز - حسام الدین امتیاز - غلامرضا کودزری- مریم کانی آبادی- پروین فرراهی به خواسته نایب فصیح فراراد (ماتی) تقدیم دادگاه های عمومی شهرستان شهرستان تهران نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران واقع در تهران- میدان تجریش خ فناخسرو ب ۲۳ مجتمع قضایی عدالت ارباع و ب کلاسسه ۰۹۶-۰۹۰-۰۱-۰۶۰۰۹۸۰۰۰۰ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۹۶/۲/۱۰ ساعت و ۸/۱۵ تعیین شده است به علت مجهول امکان بودن خوانده و درخواست خولاهان و به تجویز ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیر انتشار آگهی می شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق حجت رسیدگی حاضر گردد.

منشی دادگاه حقوقی شعبه ۱۷-۷ مجتمع قضایی عدالت تهران ۱۱/۱۵۵۲۸۸

خولاهان آتله گلزاری دادخواستی به طرفیت خواندگان فریه آزردی ماسوله- حسن اردستانی- زهرا ارین پور بیلیور به خواسته مطالبه خسارت دادرسی- ابطال میامعه نامه (ماتی فعلی معلول)- علیرضا تقدیم دادگاه های عمومی شهرستان شهرستان تهران نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۱-۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران واقع در تهران- میدان تجریش خ فناخسرو ب ۲۳ مجتمع قضایی عدالت ارباع و ب کلاسسه ۰۸۴-۰۸۰-۰۱۱۱۰-۹۵۰۹۹۸۰۰۰ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۹۶/۲/۱۰ ساعت و ۹۶/۲/۱۰ تعیین شده است به علت مجهول امکان بودن خوانده و درخواست خولاهان و به تجویز ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیر انتشار آگهی می شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق حجت رسیدگی حاضر گردد.

منشی دادگاه حقوقی شعبه ۱۷-۷ مجتمع قضایی عدالت تهران ۱۱/۱۵۵۲۷۹

خولاهان آتله گلزاری دادخواستی به طرفیت خواندگان محمدرضا شکیبایی کشف- حسن اردستانی- زهرا ارین پور بیلیور به خواسته مطالبه خسارت دادرسی- بد ابطال میامعه نامه (ماتی فعلی معلول)- علیرضا تقدیم دادگاه های عمومی شهرستان شهرستان تهران نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۱-۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران واقع در تهران- میدان تجریش خ فناخسرو ب ۲۳ مجتمع قضایی عدالت ارباع و ب کلاسسه ۰۸۴-۰۸۰-۱۱۱۱۰-۹۵۰۹۹۸۰۰۰ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۹۶/۲/۱۰ ساعت و ۱۳/۰۰ تعیین شده است به علت مجهول امکان بودن خواندگان و درخواست خولاهان و به تجویز ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیر انتشار آگهی می شود تا خواندگان پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق حجت رسیدگی حاضر گردد.

منشی دادگاه حقوقی شعبه ۱۷-۷ مجتمع قضایی عدالت تهران ۱۱/۱۵۵۲۷۲

**ابلاغ وقت رسیدگی دادخواست و ضمائم به متصرف ابراهیم آبادی**  
سازمان املاک و مستعلات شهرداری تهران با مدرعاملی خانج آقای محمد مصطفی فرد دادخواستی به طرفیت متصرف ابراهیم آبادی به خواسته جابج این ملک ثبت شماره ۴۰۰/۷۲۸۶ فرعی از ۷۲۸۶ اصلی و خسارت دادرسی تشکیل و تقدیم دادگاه های عمومی تهران- میدان تجریش خ فناخسرو ب ۲۳ مجتمع قضایی عدالت ارباع و ب کلاسسه ۰۸۴-۰۸۰-۱۱۱۱۰-۹۵۰۹۹۸۰۰۰ ثبت گردیده که پس از ارجاع به این حوزه و ثبت کلاسسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت مقرر حوزه به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل و بانوجه به محتویات پرونده پس از شور و تبادل نظر و با استعلام از خاندون متعلل بزرگ زیر مبادرت به صدور برای می نماید. رای قضایی درخصوص دعوی خولاهان علی ریگسج لذاد به طرفیت خوانده فریار خاله اولغی سلماسی به خواسته مطالبه مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت واریز قبض بانکی با عنایت به پرونده و مستندات و مدارک و اینکه خوانده علیرغم ابلاغ به نحو قانونی در جلسه رسیدگی حضور نداشته و دفاعی در قبال دعوی مطروحه معمول نداشته و دلایی بر برائت ضم خود اقامه نکرده استست دعوی مطروحه را وارد و ثابت دانسته و به استنات ماده ۱۹۸-۵۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده۲۶۵ قانون مدنی حکم به محتومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته به استنمام هزینه دادرسی و تاخیر تدبیه در حق خولاهان صادر و اعلام مینماید. رای صادره به استنات ماده ۲۶۶ قانون شورای حل اختلاف غیابی و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه می باشد.

منشی دادگاه حقوقی شعبه ۱۷-۷ مجتمع قضایی عدالت تهران ۱۱/۱۵۵۲۵۷

دندانمه تاریخ رسیدگی ۱۳/۲/۹۵/۹۵/پورنده کلاسسه ۹۵/۱۱۷/۹۵ شماره دادنامه: مرج ریگسج کلاسسه ۱۱۷ شعری حل اختلاف تهران خولاهان علی ربکی لذاد خوانده فریار خاله اولغی سلماسی خواسته: مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به انصام هزینه دادرسی و کلیه خسارات قانونی و تاخیر تدبیه کردگشتار: خولاهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده تقدیم دادلسه که پس از ارجاع به این حوزه و ثبت کلاسسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت مقرر حوزه به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل و بانوجه به محتویات پرونده پس از شور و تبادل نظر و با استعلام از خاندون متعلل بزرگ زیر مبادرت به صدور برای می نماید. رای قضایی درخصوص دعوی خولاهان علی ریگسج لذاد به طرفیت خوانده فریار خاله اولغی سلماسی به خواسته مطالبه مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت واریز قبض بانکی با عنایت به پرونده و مستندات و مدارک و اینکه خوانده علیرغم ابلاغ به نحو قانونی در جلسه رسیدگی حضور نداشته و دفاعی در قبال دعوی مطروحه معمول نداشته و دلایی بر برائت ضم خود اقامه نکرده استست دعوی مطروحه را وارد و ثابت دانسته و به استنات ماده ۱۹۸-۵۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده۲۶۵ قانون مدنی حکم به محتومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته به استنمام هزینه دادرسی و تاخیر تدبیه در حق خولاهان صادر و اعلام مینماید. رای صادره به استنات ماده ۲۶۶ قانون شورای حل اختلاف غیابی و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه می باشد.

دکتر شعبه ۱۱۷ شورای حل اختلاف منطقه ۳ تهران ۱۱/۱۵۵۲۶۶